[پگاه حوزه](http://www.hawzah.net/fa/magazine/numberlist/6436)  [مرداد 1388 - شماره 60](http://www.hawzah.net/fa/magazine/magart/6436/7128/0)

**کیمیای تفکر، رابطه عبا و عمامه با ایفای نقش­های طلبگی**

**علی مهدیان**

|  |
| --- |
| میگویند زبان یکی از اصلی ترین ارکان فرهنگ جامعه است. اگر چه امری بیرونی و ظاهری است اما مبتنی بر مشترکات عاطفی و دانشی و فضای داراییهای ادراکی و احساسی جوامع میباشد. روشن است که زبانها با تفاوت فرهنگها متفاوت میشوند و این نه صرفا به لحاظ قومیتی و جغرافیایی بلکه با رشد فرهنگ گروهی در یک جامعه نیز مرتبط است پس عجیب نیست اگر بگوییم دین مدعی است که میتواند زبان را نیز ارتقا ببخشد چرا که روح جامعه را عوض کرده و به تبع رابطه الفاظ و مفاهیم را به هم میزند . رشد زبان و غنای آن با دین ارتباط دارد . زبان امری انسانی است و دین مسوول تربیت این انسان است . زبان از آن جهت که امری ظاهری و رفتاری است که به روح و ذهن انسانها مرتبط است و از سوی دیگر امری اجتماعی است پدیده عمیق و قابل توجهی است و امروز دانشهای زیادی متکفل بررسی این پدیده دقیق و پیچیده هستند اما شاید بتوان گفت در یک جامعه امور متعددی وجود دارد که مانند زبان نماد فرهنگ آن جامعه اند و اثرات اجتماعی مهمی دارند و نه تنها نماد فرهنگ و روح و ذهن یک جامعه بلکه نماد روح هر انسان نیز میباشند یکی از این امور لباس است .  لباسها به خوبی میتوانند فرهنگها را به نمایش بکشند چرا در بعضی جوامع لباسها رنگهای روشن دارند در بعضی رنگها تیره؟ چرا بعضی لباسهایی با برهنگی زیاد دارند و بعضی پوشیده اند؟ و پرسشهای دیگر که پاسخ این سوالات نیاز به بررسی همه امور موثر بر لباسها دارد اعم از امور اقلیمی و امور فرهنگی مانند همه پدیده های فرهنگی دیگر . و صد البته باز هم نمیتوان کتمان کرد که دین قدرت دارد پدیده لباس را هم در جوامع مدیریت کند این به معنای تشابه و یک شکل شدن همه لباسها نیست چرا که کسی که این ادعا را کند قطعا انسان را نمیشناسد اما به معنای رشد و ارتقا لباسها به موازات رشد و ارتقا فرهنگها است آنانکه میپذیرند لباس نیز یک نماد فرهنگی است نمیتوانند نپذیرند که دین میتواند نحوه پوشش را نیز در جوامع مدیریت خواهد کرد .  با این مقدمه سعی میکنیم به تحلیلی کوتاه از لباس مقدس روحانیت پرداخته و سپس نقش ان را در رسالتهای روحانیت یعنی تهذیب و تبلیغ و تربیت و اموزش و پژوهش بیان نماییم .  **ویژگیهای اصلی لباس روحانیت :**  میتوانیم چند دسته خصوصیت برای لباس روحانیت رابر مبنای عمومیت و خصوصیت فرهنگها برشماریم :  **الف : خصوصیات کلی :**  منظور خصوصیاتی است که در نسبت با انسان به طور کلی میتوان از این لباس انتظار داشت انسان با هر فرهنگی و با هر اعتقادی . البته این ویژگیها تاثیراتی است که چه بسا گاهی با امور دیگری تعارض کند در این جا صرفا به عنوان اولی بحث میکنیم و اقتضای لباس را بحث خواهیم نمود موانع را باید به صورت موردی مورد توجه قرار داد .  اول:پوشیدگی انسان و در پرده نمودن بیشتر تمام مظاهر حیوانیت در انسان . این ویژگی را لباسهای بسیاری ممکن است داشه باشند در بسیاری جوامع سنتی لباسها به گونه ای بوده اند که پوشیدگی در آنها زیاد بوده است یعنی لباس به گونه ای انسان را میپوشاند که انسانها در روابط با یکدیگر بیشتر احساس میکنند با انسانیت انسان رو در رو هستند نمیتوان کتمان کرد که چشم انسان در نوع تعامل انسان با خارج چه میزان تاثیر دارد اینکه انسان چه بخشهایی از ظاهر خود را و به چه نحوه بروز و ظهور دهد در نحوه روابط موثر خواهد بود این بحث اساسا خارج از مساله حرمت و حلیت و محرمیت و غیره است به طور کلی این تاثیر وجود دارد تفاوت را میتوان زمانی که یک فرد دو نوع لباس میپوشد یکی با پوشیدگی بیشتر و یکی کمتر در ارتباط با او مشاهده نمود .  دوم: آرامش ناشی از این لباس شرایط این لباس به گونه ای است که ضرب آهنگ حرکات انسان را کم میکند آرامش ناشی از این لباس در حالت عادی غیر قابل چشم پوشی است چه برای راه رفتن چه به هنگام ایستادن من با خیلی از دوستان خود این امر را چک کرده ام همگی متفق بوده اند که این لباس بعد از پوشیدن موجب احساس آرامش خاصی در انسان میشود چرایی این امر نیز احتیاج به بررسی نوع پوشیدگی و ظاهر این لباس دارد . ایجاد ارامش واژه ای است که کل تمدن غرب را به سختی به چالش میکشد عصر امروز را خود غرب عصر اضطراب نامیده است عجله ویژگی اصلی همه ابزارات امروز بشری است و روشن است که وقتی روح بشر دچار اضطراب و ناآرامی میشود محیط مساعدی برای غفلت و رشد وسوسه ها و درخواستهای شیطانی شکل میگیرد .  سوم:پوشیدن این لباس چون انتساب به رهبران دین یعنی پیامبر و ائمه دارد اعلام ارتباط با دین و اعتقادی خاص است این البته برای کسانی که آگاهی به این انتساب دارند قابل درک است . این که انسان حاضر است اعتقاد خود را به منصه ظهور و بروز بکشد و بر اساس اعتقاد خود اقدام کند آنهم در حد پوشیدن یک لباس ولو آن لباس با دیگر لباسها یکی نباشد این نشان میدهد که چه میزان انسان به آن اعتقاد پایبند و ثابت قدم است اساسا این ویژگی است که عمل دارد فکر و انگیزه آنگاه که به اقدام و عمل نزدیک میشوند شدت مییابند این اثر درونی برای کسی است که اقدام میکند رشد انگیزه و دانایی به عمل است اما اثر بیرونی اقدام نیز این است که نوعی دعوت به آن انگیزه و اندیشه است و این که دیگران احساس ثبات قدم در آن اندیشه مینمایند این ویژگی فکر و اعتقاد درست نیست فکر و اعتقاد نادرست نیز همین تاثیر را دارد .  چهارم:طبیعی است که کسانی که انتساب این لباس را به دین خاص بدانند با دیدن این لباس به تداعی معنا تمام آن اموری را که لباس به آنها انتساب دارند به ذهن خواهند آورد یعنی خدا پیامبر و اهل بیت و خلاصه آن دین و این ویژگی منحصر بفرد این لباس است با این ویژگی خیلی کار داریم این ویژگی که در ذهن دیگران معمولا نقش بسته افراد را تبدیل میکند به کسانی که با ظاهر خود نقش آیت الله را خواهند داشت انسان ها باید بتوانند ویژگی تکوینی عالم را با اراده و اختیار خود برای خود ایجاد کنند یکی از اصلی ترین ویژگیهای تکوین آیت الله بودن آن است انسان باید بتواند به اراده و اختیار خود ظاهر و باطنش را آیت الهی کند آیت ویژگی اش این است که دیگران با دیدن او مثل اینکه به یک فلش نگاه کرده باشند به امر دیگری منتقل میشوند این ویژگی است که هم در ظاهر و هم در باطن انسان باید داشته باشد بعلاوه که ایت دین نیز خواهد بود این لباس دین خاصی را به خاطر جوامع می آورد . این تاثیر شگرفی است که لباس دارد این است که جای سوال نیست اگر جوامع غربی با پوشیدن لباسهای دینی مخالفند حجاب نه از آن جهت که حجاب است مورد دشمنی آنان نیست بلکه به دلیل همین اثر فرهنگی است که مورد دشمنی واقع میشود لباس میتواند حکم یک پرچم را داشته باشد مانند کسی که پرچم بر دوش در همه جا حضور پیدا میکند . این خصوصیت با ویژگی شیعگی پیوند عجیبی دارد ویژگی مبارزه و فریاد که جزو لاینفک یک شیعه است .  **ب: خصوصیت های این لباس در فرهنگ اسلامی :**  در فرهنگ اسلامی دو ویژگی اخیر که در بالا اشاره شد تاثیرات ویژه ای خواهند داشت چرا که رابطه این لباس با رهبران دینی از یک سو و حوزه های علمی شیعی از سوی دیگر شناخته شده تر است لذا تاثیرات اجتماعی لباس بیشتر و جدی تر خواهد بود در فرهنگ اسلامی این لباس منتسب به شیعه است و این نوعی هویت بخشی به دستگاه شیعی با همه ارزشهای آن از جمله محافظت از دین اسلام در مقابل همه دشمنان جدی آن را به خاطر خواهد آورد بعلاوه که ثبات قدم شیعه در مقابل دشمنان دین را نمایش خواهد داد . پس اولا تداعی و زنده کردن داناییهای احساسات ویژه اسلامی و شیعی را موجب خواهد شد و ثانیا تزریق ثبات قدم بر اعتقادات دینی را منجر خواهد گردید .  اما نکته مهمی که میتوان همین جا به آن اشاره کرد این است که از ویژگیهای انسان کامل این است که دیگران در ارتباط با او به دو دسته تقسیم میشوند این اثری است که قرآن هم دارد اساسا امور الهی این گونه اند که ویژگی حجت را در خود دارند و انسانها ی الهی یکی از ویژگیهای اصلی آنها همین است که خوبها با ارتباط با آنها خوبتر میشوند و بدها بدتر میشوند این که امیر المومنین قسیم خلد و نار است و هم جاذبه دارد و هم دافعه و این که قران برای متقین هدایت است و برای ظالمین خسارت را زیاد میکند ناشی از همین ویژگی است لباس روحانیت در فرهنگ اسلامی و بلکه در همه جا به دلیل انتسابش به حقیقت و حق همین تاثیر را دارد . صرفا تماشای این لباس در انسانها این اثر گذاری را خواهد داشت .  ج: در فرهنگ ایرانی : در فرهنگ ایران با توجه به پیوند عمیق این لباس با تاریخ ایران و انقلاب ایران از یک سو و ارتباط این لباس با حوزه های شیعی از سوی دیگر حضور این لباس در جامعه علاوه بر همه آثار فوق تاثیرات مهمی در زنده کردن ارزشهای انقلابی و ایرانی دارد شاید به همین دلیل است که مثلا چفیه در فرهنگ امروز ایران زنده کننده خیلی از ارزشها است بسیاری از پوششها امروز میتوانند حکم لفظی را بازی کنند که دلالت بر معانی و ارزشهای بسیاری دارد گویا انسان در کوی و برزن راه میرود و خیلی حرفها و مفاهیم و احساسات را دائما فریاد میکند . با توجه به همه ویژگیهایی که برای این لباس بیان شد هیچ ایرادی ندارد اگر لباس ملی خود را به سمت این نحوه پوشش سیر بدهیم .  سخن در این بخش به درازا کشید بیش از این ها میتوان در خصوصیات این لباس گفت اما به طور کلی در دو دسته کلی میتوان این ویژگیها را ذکر نمود اول ویژگیهایی که ناشی از نوع پوشش و ذات خود لباس است و تاثیر ذاتی آن در فرهنگ و اندیشه و رفتار انسانی و ویژگیهایی که ناشی از تداعی معانی و ارزشهای متعدد میباشد .  اما بد نیست تاثیرات این لباس را در رسالتهای اصلی طلاب نیز به صورت مختصر شرح دهیم :  **تاثیر این لباس در تبلیغ :**  تبلیغ اصلی ترین رسالت طلاب است به شرط آنکه درست شناخته شود و در چند مدل و روش محصور نگردد تبلیغ را باید به تربیت دینی جامعه معنا نمود تربیت جامعه به روشها مختلف اتفاق میافتد اما در روشها اجتماعی مدل ارتباط همه جانبه و ارتباط عملی و عادی تاثیر عمیق تر بیشتری دارد تبلیغ چهره به چهره عنوان دقیقی نیست بلکه زندگی تبلیغی عنوان بهتری است زندگی یک طلبه عمیق ترین اثر تبلیغی را دارد چون هم با عمل همراه است و هم با گفتار و هم اساسا همه روابط عادی دیگر نقش الگوهای تربیتی در رشد و تربیت جامعه و افراد ناشی از همین ویژگی است روشهای تربیتی همه جانبه مانند اردوها بدلیل این موثرترند که زمینه ساز یک چنین تبلیغی میباشند بماند . بحث در این جا است که با توجه به ویژگیهایی که در بالا اشاره شد روشن است که نحوه پوشش روحانی چگونه میتواند در این رسالت او نقش بازی کند . اما ممکن است این اشکال به نظر بیاید که کسی بگوید شاید در برهه ای از زمان به دلیل تبلیغات دشمنان یا کم کاری خود روحانیون پوشیدن این لباس اثار منفی در ذهن مردم بگذارد و اجازه ندهد که آنان حرفهای ما را بشنوند ایا باید لباس را کنار گذاشت تا تاثیر گذاری اجتماعی بیشتر شود ؟  به نظر میرسد قبل از این پرسش باید یک سوال کلیدی پرسید و آن اینکه آیا رسالت تاریخی ما اصالت دارد یا رسالت اجتماعی ؟ این نکته اساسی است که آنچه اصل است رسالت تاریخی است چنانچه برای اهل بیت مثل امام حسین و دیگران نیز همین طور بود لذا اگر کاری کنیم که در طول زمان و به مرور اثر منفی بگذارد ولو فعلا عجالتا و به سرعت اثرات آنی بگیریم اشتباه کرده ایم شیطان هم اولا روی تاریخ و نسل اثر میگذارد . همانطور که رهبران الهی اولا خود را مسوول هدایت کل تاریخ میدانند اگر روحانیت خود را در جایگاه رهبران دینی میداند باید به این نکته مهم توجه کند که او اولا مسوول هدایت نسلها است و سپس جامعه و در نهایت افراد لذا اگر با انفعال عقب نشینی کنیم این اشتباه در انجام رسالت های دینی است این یک استراتژی کلی است بر اساس همین اصل باید گفت اصل این است که تلاش کنیم این لباس در طول زمان فراگیر شود نه اینکه به دلیل اشتباهات یا تبلیغات منفعلانه عقب برویم این هم مهم است که استراتزی ما تهاجمی است نه تدافعی و حتی تقیه هم در یک استراتزی تهاجمی باید توضیح داده شود لذا باید دقت کرد که بعضی اساسا با رویکرد تدافعی و انقعال با جامه روبرو میشوند و رسالت تاریخی روحانیت را هم فراموش میکنند .این رویکرد شما را یاد کسانی نمیاندازد که اول انقلاب برای اینکه تداعی معانی بدی برای مردم نشود و بگویند ما خیلی دنیا دیده و روشن فکر هستیم همان حرفهای اهل بیت را میزدند ولی به جای قال الباقر و قال الصادق از زبان فلان مکتب و فلان دانشمند حرفهای بریده بریده را بیان میکردند ؟ با توجه به این نکته مهم و کلی البته میتوان گفت بله گاهی ممکن است این اتفاق بیفتد و حتی شاید گاهی ممکن باشد چنین کنیم . اما طبیعی است که چنین نتیجه گیری چه میزان احتیاج به دقت نظر دارد و رویگردانی از یک اصل اساسی است . صغرای سوال اساسا اشتباه است و چنین اتفاقی نیفتاده بدلیل انتساب اصلی این لباس که به دین است چنین احتمالی در طول تاریخ بسیار بعید است و کسانی که در تاریخ ایران و اسلام چنین فکر میکردند بعدها روشن شده است که در چه توهمی بوده اند و با این روش انفعالی خود ناخواسته مرتکب خطا شده اند . این را در کنار این نکته باید ذکر نمود که هماهنگی ظاهر و باطن در تبلیغ موثر است و هر چه بیشتر باشد تاثیر گذاری بیشتری خواهد داشت . رویگردانی از ظاهر روحانیت خواه ناخواه نشان دهنده نوعی انفعال است که این هم اثر تبلیغی خوبی ندارد بعلاوه اینکه در جامعه عده ای با دیدن لباس روحانیت برآشوبند امری عادی است بدلیل تاثیر دوگانه ای که بیان کردیم این لباس در انسانهای صادق و خوب از یک سو و کفرهای پنهان شده در درون از سوی دیگر دارد  نکته مهم دیگری که خود جای بحث طولانی دارد این است که در طبقه بندی مخاطبین دین باید گفت انانکه اولویت دارند و اولیت هم دارند دینداران هستند متدینین میباشند و این مشکل اصلا درباره آنها موضوعیت ندارد . بر خلاف این اعتقاد کسانی که خیال میکنند اول باید از طبقات دور تر از وادی دین شروع کرد باید گفت آنان که هم اهمیت بیشتر و هم اولیت بیشتری برای تبلیغ در جامعه دارند . البته این نکته را باید به نهاد حوزه به طور کلی گفت نه اینکه همه طلاب موظف باشند در جامعه با یک طبقه خاص درگیر شوند اما برای حوزه این چنین است .  به هر حال نمیتوان به دلیل تغییرات مقطعی که در فضای ذهنی جامعه ممکن است شکل بگیرد آثار اصلی انتساب این لباس را به دین فراموش کرد و مگر میتوان به سادگی لباسی را طراحی نمود که بتواند چنین اثر و ارتباطی را با ارزشهای دینی و انقلابی داشه باشد . اینکه بعضی این لباس را چیزی شبیه یونیفرم های موجود برای شغلهای مختلف اجتماعی معرفی میکنند غلط نیست ولی همه حقیقت این نیست این لباس صرفا بیان کننده یک طبقه اجتماعی یا یک شغل و حرفه نیست . بلکه اثار دیگری دارد که موجب قداست آن میشود که این اثار در بالا بیان شد و بسیاری از آنها ناشی از انتساب واقعی این لباس به دین است .  روحاینت اگر اصلی ترین رسالتش تربیت دینی جامعه است باید از همه جهت پیش رو باشد یکی از این جهات لباس است او باید لباسی داشته باشد که بتواند الگوی لباسها و ایده آل لباسهای جامعه قرار بگیرد . لباس مقدس روحانیت هم اثار تبلیغی فراوانی دارد و هم میتواند یک نقش تربیتی در جامعه ایفا کند باز هم تاکید میکنیم که این به معنا یک دست کردن همه لباسها نیست بلکه به معنی رهبری فرهنگ و تمدن میباشد که یکی از مهمترین نمادهای آن لباس میباشد . ارتقا لباس در جامعه نیاز به الگوی درست و قابل دفاع دارد .  **تاثیر این لباس در تهذیب :**  یکی از اصول اصلی تربیت این است که برای بدست اوردن یک صفت یا ملکه خوب خود را به لحاظ ظاهری شبیه آن کنیم ظاهر ساده ترین جایی است که انسان به آن دسترسی دارد ساده تر از دل و فکر دستورات بسیاری در دین داریم که مثلا برای این که صبرتان زیاد شود ادای انسان های صبور را درآورید یا برای اینکه زهدتان زیاد شود چنین کنید یا برای اینکه عشقتان به کسی زیاد شود وانمود کنید وامثال این دستورات . این که انسان خود را به ظاهر به چیزی شبیه کند در رشد انسان موثر است تفاوت این قضیه با نفاق روشن است چون در نفاق جهت انسان بدی درونی است و ظاهر کمک میکند به پوشاندن بدیها اما در این جا جهت انسان به سمت خوبی است و عزم و تصمیم ما بر خوبی است لباس و ظاهر به خود ما کمک میکند برای رشد .  تاثیر دیگر ناشی از انتظار اجتماعی است این لباس موجب میشود انتظار اجتماعی از افراد شکل بگیرد و بالا رفتن انتظارات اجتماعی خود مانعی بر سر بسیاری از رفتارهای ما خواهد شد  تاثیر دیگر این است که انتساب این لباس در ذهن خود طلبه و دیگران انتساب او را به ولی خدا به یاد میاورد این انتساب موجب تذکر دائمی به او میشود این لباس برای خود ما یک تذکر دائمی است تذکر اینکه تو طلبه هستی و هدف تو چیست مانند جمله ای که همواره پیش روی خود ما است. و آن را مشاهده میکنیم . یکی از دوستان طلبه میگفت من گاهی فراموش میکنم طلبه ام اما وقتی که در کوچه و خیابان مردم میگویند حاج آقا ... یادم میافتد من روحانیم و واقعا گویا کسی تکانم میدهد که بیدار شو!  **نقش این لباس در آموزش و پژوهش :**  اگر نقش لباس را در تهذیب بپذیریم و نقش تهذیب در تحصیل را فراموش نکرده باشیم تاثیر لباس بر تحصیل روشن میشود بدلیل حس ارامش و زهد وامثالهم که تاثیرات بسیار زیادی در تحصیل خواهند داشت اما نکته اساسی تر این است که نقش انگیزه و تمایل در آموزش را باید محوری دید رشد انگیزه های علم آموزان برای علم آموزی اصلی ترین پارامتری است که در کار تحصیل و فرآیند آموزش نیاز داریم شاید به همین جهت بوده است که بعضی اساتید به طلاب توصیه میکرده اند که از روز اول لباس روحانیت تن کنند . طلبگی به شدت دیگر وظایف اجتماعی دچار روزمرگی نمیشود بدلیل اینکه انگیزه های مقدس آن به صورتهای مختلف یادآوری میشود هویت روحانیت با رسالتهای آن گره خورده و این رسالتها به صورتهای مختلف از جمله با این لباس در فضای اجتماعی و بدلیل یادآوری مردم به ما همیشه به نوعی پیش روی ما قرار میگیرد .  نکته مهم تر اینکه لباس روحانیت آنها را بیشتر با پرسشها و درخواستهای مردم مواجه میکند و این کمک میکند که متناسب با پرسشهای جامعه مجبور باشیم که بیاموزیم و رشد کنیم گویا همواره در معرض پرسش هستیم و امتحان علمی و عینی در پیش روی ما است مردم از طلاب میپرسند نظر دین در این باره چیست و روشن است که این امر چه میزان در کار علمی و رشد دانش موثر است  نکته دیگر اینکه این کار آموزش و تحصیل را جهت میدهد طلبه به جای اینکه تحصیلاتی کند که به کار کسی نمیاید مجبور است چیزهایی بیاموزد که به کار مردم میاید و این دستگاه آموزشی را هم تحت تاثیر قرار میدهد البته بماند که ویژگی ماندن در قم تاثیر این ویژگی را تا حدودی کم کرده اما طلابی که با لباس در شهرهای دیگر حاضر میشوند این را بیشتر درک میکنند . این مساله صرفا در مردم عادی نیست بلکه حتی حضور در میان نخبگان و دانشمندان هم طلبه را به چالش میکشد  این نکته مهمی است که برای تحصیل و آموزش به چالش کشیده شدن اولیت و اولویت دارد یا دانستن بعضی از اساتید من وقتی میپرسیدم چرا لباس نمیپوشید میگفتند هنوز به اندازه ای دانایی ندارم که سوالات را جواب دهم در حالیکه در معرض سوال ها قرار گرفتن موجب تلاش برای دانایی خواهد شد و دانایی هم موجب اثر گذاری در جامعه . اگر بخواهیم بررسی کنیم که کدام مهمتر است و اول است باید بگوییم پرسش همانطور که بر علم اولیت دارد در این جا هم در معرض پرسش و چالش قرار گرفتن برای تحصیل اولویت دارد . این نکته بسیار مهمی است که توجه به آن موجب میشود آموزش در حوزه ها پیوند عمیقی با امر تبلیغ پیدا کند و البته همانطور که بیان شد نسبت به تبلیغ نیز باید نگرش کارآمدتری ایجاد شود .  با توجه به توضیحات بالا تا حدودی معلوم میشود که تاثیر لباس بر پژوهش و دستگاه پژوهشی چه میزان است لباس موجب میشود پژوهشگران ما به طور واقعی و دائمی در معرض پرسشهای جامعه آن هم همه طیفها و طبقات آن قرار بگیرند این موجب میشود پژوهشهای ما و علم تولیدی ما به سمت دانش نافع پیش برود قبول داریم که خیلی امور دیگر هم لازم است که متاسفانه بسیاری از آنها وجود ندارد اما این را هم نباید نادیده گرفت که یک دستگاه پژوهشی موفق باید بتواند پژوهشگران خود را با عینیت جامعه و سوالات و مجهولات اجتماعی رودررو کند نقش مساله ها در جهت گیری دانش تولیدی و رشد دانش و فایده مند بودن آن را نمیتوان انکار کرد از طرفی رابطه عینیت گرایی و کارآمدی دانشها را در تولید دانش نمیتوان کتمان نمود با این توضیحات روشن است که لباس میتواند به تولید دانش مفید و کارامد و اجتماعی کمک کند . همچنین آنچه در مورد تهذیب و انگیزه و نقش آن در تحصیل بیان شد نسبت به کار تولید دانش نیز وجود دارد . اما باید توجه کرد که لباس نباید جای مدرک را در روابط دستگاههای علمی جامعه بگیرد . لباس یک پوشش عام است که همه طلاب را با اگاهیهای مختلف دربر میگیرد و این موجب شده انتظار علمی از طلاب در مجامع علمی به اندازه و تنظیم نباشد به نظر میاید باید مدرک شناخته شده حوزوی با تعریف و ملاکات حوزوی وجود داشته باشد متاسفانه امروزه صرفا لباس موجب شده که هر طلبه کم سوادی نیز به خود اجازه بدهد از زبان دین حرفهای مختلفی بزند و اساسا اگر نتوان نظام دقیقی برای ارزیابی طلاب داشت نمیتوان توفیق این نهاد را در کار علمی انتظار داشت مدارک و درجات فعلی حوزوی قدرت دسته بندی دقیق علمی طلاب را ندارد و لباس تا اندازه ای این نقش را در جامعه ایفا میکند که این افتی است که باید با آن مبارزه نمود . |